

**اردشیر پشنگ پژوهشگر مسائل خاورمیانه در گفت‌وگو با هم‌میهن مطرح کرد:**

## اهمیت اقلیم و سفر آینده‌رئیسی به عراق

«سفر هفته گذشته نجیروان بارزانی به ایران در حالی بار دیگر مسائل مرتبط با اقلیم کردستان را در رسانه‌های ایرانی مطرح کرده که با توجه به تحولات ماه‌های گذشته به‌خصوص حمله موشکی ایران به ساختمانی که تهران آن را مفر موساد نامید، تا حدی غیرقابل پیش‌بینی بود؛ با توجه به این موضوع یکی از سوالات مهم این است که اساساً نگاه ایران به اقلیم کردستان عراق و تحولات آن چیست و این منطقه از چه جهت برای تهران حائز اهمیت است؟

از نظر هویتی، فرهنگی، تاریخی و ژنایی پیوندهای ناگسستنی قابل توجهی میان گُردها در اقلیم کردستان عراق و ایرانیان وجود دارد. قسمت عمده‌ای از خاک اقلیم کردستان هم‌سال‌های سال در قالب امارت‌های پایان و اردلان در اتحاد و همراهی با ایران بوده و در دوره قاجار و بخشی در دوره پهلوی و در ابتدای دولت رضاشاه از ایران جدا شدند. اما اگر به‌طور خاص به رابطه جمهوری اسلامی ایران با اقلیم کردستان و کردهای عراق برگردیم، باید گفت یکی از نخستین گروه‌های سیاسی و هویتی که از انقلاب ایران هم حمایت کردند و هم از وقوع انقلاب ایران بهره بردند، کردها در عراق بودند و خیلی زود هم در کنار یکدیگر درگیر جنگ با عراق شدند و پیش از آن هم در بحث درگیری با احزاب گُرد ایرانی، حزب دموکرات کردستان عراق در کنار ایران بود و در عین حال سال‌های سال در جبهه مشترک علیه بعث با همدیگر جنگیدند، خون دادند و همه این‌ها یک زمینه ذهنی تاریخی بسیار مهم و جدی است که بین ایران و اقلیم کردستان عراق وجود دارد.

با این حال، تحولات سال‌های اخیر باعث شده روابط طرفین رو به سردی، بی‌اعتمادی و بعضاً به تنش و حتی شلیک موشک و پهپاد از سوی ایران به‌طور مستقیم یا به‌طور غیرمستقیم از سوی متحدین ایران یعنی گروه‌هایی از نیروهای حشدالشعبی منجر شود. سال‌هاست که کردها در عراق به‌دنبال حق تعیین سرنوشت خود هستند؛ چه در دوران بعث و حتی پس از آن در موقعیت فعلی که موقعیت ممتاز و غیرقابل مقایسه‌ای با دوران پیش است، چون کردها تحت فشارهای مختلف دولت‌های مرکزی مختلف عراق بوده‌اند؛ از تلاش دولت‌های عراق برای تعریب (عربی‌سازی) شهرهای گُردی مثل موصل که تا حدود ۸۰ درصد هویت این شهر که زمانی ایالتی گُردی در امپراطوری عثمانی و نیز معاهدات بین‌المللی محسوب می‌شد را تغییر دادند تا از کرکوک گرفته تا جلوگیری از دادن دیگر حقوق آنها و در دوران جدید نیز شاهد هستیم، به‌طور مثال در ماده ۱۴۰ قانون اساسی، که دولت مرکزی عراق را موظف کرده بود تا سال ۲۰۰۷ مناطق مورد مناقشه مانند کرکوک و استان‌های دیگر که کردها مدعی شان هستند را با مکانیسمی سمرحله‌ای و دموکراتیک و قانونی تعیین تکلیف کند؛ ولی تاکنون این کار را نکردند و برعکس طی سال‌های اخیر حتی به دنبال تغییر بافت جمعیتی هم بودند.

همه اینها دست به دست هم داده که کردها در عراق عمدتاً سناریوی جدایی و استقلال را دنبال کنند که اوج این مسئله به سال ۲۰۱۷ و برگزاری referendum استقلال بر می‌گردد که با ۹۲ درصد آرای مثبت و قاطع ساکنین اقلیم کردستان مواجه شد؛ اما این مسئله با اعتراض و تخاصم دولت مرکزی عراق و درخواست کمکش از دولت‌های منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران و ترکیه منجر به بن‌بست و شکست شد. در آن زمان ایران انتخاب کرد که از بین دو متحدش یعنی کردها و شیعیان، از شیعیان حمایت کند و چون تجزیه عراق و تشکیل یک دولت گُردی را بر خلاف منافع ملی خود برداشت می‌کرد، به‌طور جدی و تمام‌قل علیه آن ایستاد و در سلطه مجدد دولت عراق بر شهر استراتژیک کرکوک در ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷ نقش بسیار مؤثر و مستقیمی داشت.

از ۲۰۱۷ با بعد هم به‌صورت جد کار و مرزیر هر چند روابط ایران با اقلیم کردستان عراق به‌خصوص اربیل و حزب دموکرات کردستان عراق برقرار بوده و سفرهایی انجام شده، اما شاهدیم که عمدتاً ایران نگاهی بی‌اعتمادانه به تحولات اربیل داشته و برخی از مقامات اتهاماتی دال بر فعالیت‌های اسرائیل زدن و چند بار هم با همین اتهام به سوی اربیل به‌طور مستقیم موشک و پهپاد شلیک کرده‌اند. اتهاماتی که هم دولت مرکزی عراق و هم دولت اقلیم کردستان و هیئت‌های بازرسی‌شان رد کردند. در نتیجه همه اینها دست‌به‌دست هم داده که روابط پرفرازونشیبی میان دو متحد قدیمی اتفاق بیفتند. در این میان دولت ترکیه تلاش کرده در ابعاد مختلف چه از بُعد اقتصادی که سال‌هاست گوی سبقت را از ایران در اقلیم کردستان روده و چه مناسبات سیاسی روابطش را با گُردها نزدیک‌تر کند. در این چارچوب علاوه بر سفرهای پیشین وزرای خارجه مختلف ترکیه و نخست‌وزیر این کشور، شاهدیم که رجب‌طیباردوغان به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور ترکیه وارد اربیل شد؛ در حالی که در سوی دیگر و از زمانی که ابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور ایران شده حتی شاهد یک سفر وزیر خارجه به اربیل نبوده‌ایم درحالی‌که دست‌کم ۶ سفر را به عراق داشته است و این برخلاف رویه وزیر پیشین خارجه یعنی آقای محمدجواد ظریف در دولت روحانی است. همه اینها حاکی از این است که روابط رو به سردی بوده و طرفین اعتماد کافی نسبت به یکدیگر نداشته‌اند؛ در حالی که اقلیم کردستان برای ایران دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ هم‌بخشی از عمق استراتژیک ایران محسوب می‌شود، هم‌بخشی است که دست‌کم تأثیر مستقیمی بر مناطق کردنشین ایران دارد، هم از نظر اقتصادی یکی از جاهایی بوده که محل تنفس بخشی از اقتصاد ایران در زمان تحریم‌های فلج‌کننده آمریکا بوده، هم از نظر درگیری با رادیکالیسم اسلامی داعش نقش پیشاهنگ جنگ را داشته و هم محل رقابت بین ایران و رقیبایی مانند ترکیه و آمریکایی‌هاست. از سوی دیگر وجود اقلیم کردستان برای توازن بخشی در سیاست خارجی ایران و مهار حرکت‌های یکجانبه دولت مرکزی عراق اهمیت

«سفر تقریباً هم‌زمان آقایان بارزانی و طالبانی به تهران و واشنگتن با چه هدفی صورت گرفته است؟ یا مشخصاً نجیروان با چه دستور کاری عازم تهران شده‌بود؟

کردهای عراق مورد حمایت آمریکا و اروپا هستند و در این شرایط است که برای هر اقدامی می‌خواهند شریک و حامی خود را در جریان بگذارند و از طرف دیگر نیز هم‌مرز با ایران هستند و تهران هم نسبت به همکاری‌های اقلیم کردستان با غرب فوق‌العاده حساس است چراکه حضور اسرائیل در این منطقه نیز رو به افزایش است و تل‌آویو هم‌زمان با کشورهای عربی، در حال بسط نفوذ خود در سایر کشورهای پیرامونی ایران از جمله آذربایجان، کشورهای آسیای میانه و البته کردستان عراق است. طبیعی است که در این شرایط کشوری مانند ایران حساس می‌شود که اسرائیل در مرزهای ایران مستقر شود. بنابراین رهبران اقلیم کردستان نیز مانند حکومت مرکزی عراق هم‌زمان تلاش می‌کنند تا روابط خود را با ایران و ایالات متحده حفظ کنند و در روابط خود با این دو کشور تعادل ایجاد کنند. کردها می‌خواهند هم‌زمان با ایران، آمریکا و اروپا ارتباط داشته‌باشند. بنابراین برای انجام هر اقدامی، اربیل و سلیمانیه، تهران و واشنگتن را در جریان می‌گذارند.

«تهران چگونه روابط خود را با اربیل و بغداد مدیریت خواهد کرد؛ با توجه به اینکه یک عضو حزب دموکرات کردستان اعلام کرده میانجیگری میان بغداد و اربیل از شاخص‌ترین پرونده‌های سفر رئیس‌جمهور ایران به عراق خواهد بود؟

مدیریت روابط با دولت مرکزی عراق و اقلیم کردستان برای ایران بسیار دشوار است

کرد؛ با توجه به اینکه یک عضو حزب دموکرات کردستان اعلام کرده که میانجیگری میان بغداد و اربیل از شاخص‌ترین پرونده‌های سفر رئیس‌جمهور ایران به عراق خواهد بود؟

سفر آقای بارزانی سفر بسیار مهمی است. این سفر از ماه‌ها قبل در تهران در حال برنامه‌ریزی و در اربیل در حال زمینه‌سازی بود تا انجام شود تا جلوی روند فاصله گرفتن طرفین از هم و سردتر و بحرانی‌تر شدن روابط را بگیرند؛ به همین دلیل سفری که انجام شد سطح دیدارهایی که با رهبر انقلاب، رئیس‌جمهور، وزیر خارجه و فرماندهان سپاه انجام گرفت، حاکی از این است که می‌توان گفت فصل تازه‌ای بعد از یک زمستان سخت و طولانی بین روابط طرفین شکل گرفته است. البته برای قضاوت و نتیجه‌گیری زود است و بایستی دید که طرفین در راستای توافقات ضمنی و صریح و آن چیزی که پشت پرده است چه گام‌هایی بر می‌دارند. اما نکته مهم این است که این سفر در بالاترین سطح ممکن اتفاق افتاده و روند مذاکرات و دیدارها و آنچه که از کنفرانس‌های خبری و دیدارهای مختلف و واکنش‌هایی که دیدیم، همگی پالس‌های مثبت و صریحی بوده و به نظر می‌رسد این سفر تا حدی می‌تواند گشایش‌گر روابط طرفین در ابعاد مختلف باشد. قبل از هر چیزی تغییر ذهنیت‌ها و کاستن از مسئله تهدید در ذهن طرفین و ایجاد اعتماد است و بعد از آن می‌توانیم شاهد ثمره‌اش در روابط اقتصادی که هم برای اقلیم کردستان و هم برای ایران بسیار مهم است که بازار اقلیم را چند سال است در مقابل رقیبایی مثل ترکیه و چین و حتی اردن و عربستان از دست رفته می‌بینیم، به نظر می‌رسد می‌تواند یک مجال و فرصت شکوفایی جدی چندبعدی در روابط طرفین باشد. یکی دیگر از موضوعات، روابط اربیل و بغداد است. بغداد نیز عمدتاً در سال‌های اخیر تحت سایه تهران بوده و همیشه این اتهام به تهران وارد بوده که تهران در موازنه بین کردها و اعراب، طرف اعراب و شیعی را گرفته و خیلی‌ها انگشت اتهام در فشارهایی که چه در قالب دولت عراق، چه پارلمان عراق و چه در دو

سال اخیر از سوی دادگاه عالی و فدرال عراق علیه اقلیم کردستان صورت می‌گیرد، به سوی ایران می‌گیرند و طبیعی است که کردها و آقای بارزانی در این سفر بخواهند موازنه‌ای بین طرفین ایجاد گردد؛ هر چند طبعاً همچنان به دلیل نگاه ایدئولوژیک شیعه‌گرایانه که در دولت اخیر و به‌خصوص دولت ابراهیم رئیسی تشدید شده‌نمی‌توانیم شاهد یک رابطه بالانس شده بین اربیل و بغداد باشیم و همیشه بغداد و شیعیان عرب عراق در اولویت بیشتری برای مقاصد در تهران هستند؛ ولی پیش‌بینی می‌شود ایران از توان و پتانسیل خود برای حل برخی از مشکلات و کاهش بعضی از وضعیت‌های بفرنج که بین اربیل و بغداد است استفاده کند و این هم می‌تواند یک پیام مهم برای اربیل باشد. ایران و اربیل متقابلاً در خواست‌های خاصی از هم داشتند و بایستی دیدن‌هاینا طرفین در اجابت‌به این درخواست‌ها چه مسیری را دنبال خواهند کرد.

«پس از سفر اردیبهشت‌ماه آقای اردوغان به اقلیم کردستان، این نگرانی به وجود آمد که فضای سرد ایجاد شده میان تهران و اربیل موجب افزایش نفوذ آنکارا شود؛ آیا سفر آقای بارزانی حاکی از تحلیل دیگری است؟

ترکیه بیش از ۱۳۰۰ شرکت حرفه‌ای و فعال اقتصادی در اقلیم کردستان دارد و نگاه خیلی جدی‌تری به مقوله اقتصاد در سیاست خارجی‌اش دارد و دارای پایگاه‌های متعدد غیرقانونی نظامی و بدون اجازه از دولت عراق و دولت اقلیم کردستان در این منطقه است. به‌طور کلی ترکیه به دنبال این است که در پیرامونش از جمله در عراق و اقلیم کردستان، نفوذ بیشتری داشته باشد و اهمیت بیشتر و پراگماتیست‌تری به سیاست‌شان در قبال اقلیم کردستان دارند و سفر آقای رجب‌طیباردوغان را بایستی در همان چارچوب سیاست پراگماتیستی یا عمل‌گرایانه ترکی دانست که ایران از این منظر عقب‌تر است؛ برای مثال طی روزهای آتی آقای رئیسی عازم بغداد خواهد بود و باید دید آیا ایشان دعوت نجیروان بارزانی و حکومت اقلیم کردستان برای سفر به اربیل به مانند آنچه که همتای ترکیه‌ای ایشان انجام داد، به چنین سفری خواهد رفت؟ هر چند ظاهراً احتمال سفر کردن ابراهیم رئیسی به اربیل کم است، اما به‌طور کلی روند، یک روند مثبت است و طرفین به دنبال این هستند که از مشکلات بکاهند و بر دامنه روابط بیافزایند.

تجارت تهران و بغداد باشد و در چند سال اخیر شاهد جابه‌جایی این روند هستیم و به جای کالاهای ایرانی، شاهد حضور کالاهای ترکیه‌ای هستیم. ترکیه امروز در بیشترین حوزه‌های اقتصادی عراق وارد شده و محصولات باکیفیتی هم به این کشور ارسال می‌کنند و در نتیجه میلیاردها دلار نیز درآمد دارند و در حال تصاحب بازار عراق هستند. در جریان سفر اردیبهشت رئیس‌جمهور ترکیه نیز، اردوغان از فرصت تنش در روابط ایران و اقلیم کردستان استفاده کرد و راهی این منطقه شد و از شرایط استفاده کرد. اردوغان در سیاست خارجی بسیار خوب عمل می‌کند و در سال‌های اخیر روابطش را با همه کشورهایانی که دارای تنش یا ترکیه بودند، بهبود بخشید. ما نباید اینقدر ساده با این موضوع برخورد کنیم.

اینکه سفر نجیروان بارزانی بتواند موجب کاهش تنش و اطمینان‌سازی در روابط تهران و اربیل شود به مؤلفه‌های متعددی بستگی دارد که از آن جمله مسئله حضور گروه‌های تجزیه‌طلب و نیروهای اسرائیلی در این منطقه است و همچنین به پاسخ این سوال بستگی دارد که آیا فروش نفت از سوی اقلیم کردستان موجب آغاز تحرک کردهای ایرانی از سوی اقلیم نخواهد شد؟ آیا می‌توانیم در آینده خوش‌بین باشیم؟ همه این مسائل دارای یک گره است و آن گره مسئله روابط ما با آمریکاست که باید مسائل مان را و واشنگتن روشن کنیم تا بتوانیم روابطمان را با همسایگان مان هم بهبودبخشیم.



### امید گروسی به توافق

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت، ایران برای اولین بار در بیش از یک سال گذشته تمایلش را برای شرکت در «گفت‌وگویی جدی» با ناظر هسته‌ای سازمان ملل نشان داده است؛ اقدامی که بیانگر کاهش تنش‌ها میان تهران و واشنگتن می‌باشد. «رافائل گروسی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گفت‌وگو با روزنامه فایننشال تایمز با اشاره به مذاکراتی که در ایران داشته است، عنوان کرد: «پس از برگزاری مذاکرات، تهران و ناظر هسته‌ای سازمان ملل که ماه‌ها روابط پرتنش را پشت سر گذاشته‌اند، احتمالاً وارد مرحله متفاوتی شوند.» وی افزود: «ظاهرآ تهران مشتاق است تا درباره مسائل ملموسی گفت‌وگو و رایزنی کند.» روزنامه فایننشال تایمز دلیل این تغییر رویه را احتمالاً سفر «رافائل گروسی» به تهران و دیدارش با «محمد اسلامی» رئیس سازمان انرژی اتمی ایران دانست؛ دیداری که تقریباً در اوایل اردیبهشت‌ماه و در اوج تنش میان ایران، رژیم صهیونیستی و ایالات متحده انجام شده بود.

گروسی در ادامه اظهاراتش گفت که حس می‌کند فرصتی برای حل‌وفصل برخی از اختلافات از جمله «بهبود توانایی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جهت نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران» وجود داشته باشد. او با تأکید بر اینکه آمریکا و ایران همچنان به باز نگه‌داشتن یک «کانال دوجانبه» ادامه می‌دهند، افزود: «من چنین درکی را از آنها می‌بینم که بهتر است تا حدی تعامل داشته باشیم تا اینکه بخواهیم به مسیر کاملاً متفاوتی ادامه دهیم که منجر به تشدید بیشتر تنش‌ها و حتی شاید موقعیت خطرناک‌تر مثل جنگ شود.

این مسئله بسیار مهم است که ما دوباره پس از چند ماه گفت‌وگو، مجدداً با هم ارتباط برقرار کرده‌ایم.» روزنامه فایننشال تایمز در ماه ژانویه ادعا کرد که مقامات ارشد آمریکا و ایران «گفت‌وگوهای غیرمستقیم محرمانه‌ای» را در عمان برگزار کرده‌اند زیرا هر دو طرف به‌دنبال جلوگیری از گسترش تنش منطقه به یک درگیری تمام‌عیار بودند. مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با اشاره به هفتم اکتبر - آغاز عملیات طوفان الاقصی و شروع جنایات جنگی رژیم صهیونیستی - گفت: «ایران از هفتم اکتبر مقیاس یا سرعت فعالیت هسته‌ای خود را تغییر نداده است.

هم‌چنین هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد ایران به سمت یک برنامه تسلیحاتی حرکت کرده یا اکنون در حال حرکت با برنامه‌ریزی برای آن است.» گروسی در ادامه با این ادعا که «تهران اکنون مواد شکافت‌پذیر گروسی هم‌چنین افزود که مذاکرات فنی بین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مقامات ایرانی از زمان بازگشت او از ایران ادامه داشته است. در جریان سفر گروسی، تهران هیچ تعهدی به آژانس ارائه نکرد اما هر دو طرف در خصوص موضوعاتی که باعث ایجاد حساسیت‌هایی میان‌شان شده بود، گفت‌وگو کردند.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پایان به فایننشال تایمز گفت: «ایران متعهد شد حدود ۳۰ دوربین آژانس را در تأسیسات هسته‌ای خود نصب کند، اما تنها ۹ دوربین فعال شدند. اما مهم این است که اطمینان حاصل کنیم کار به گسستگی و قطع کامل ارتباط نخواهد کشید. این کاری است که در تلاشیم تا انجام دهیم و نگرشی مفید و معنادار را حفظ کنیم.»